

۲۶۰ - ای یاران الهی و دوستان ربانی سالها بگذرد و ایام بسر آید و بساط این حیات منطوی گردد و صبح زندگانی بشام ظلمانی تبدیل شود و بهار جوانی بخزان ناتوانی بنیان عافیت برافتد و بنیاد مسرت و راحت برباد رود و شجر وجود بی‌ثمر ماند و کینونت مشهود بی‌اثر دفتر آمال پیچیده گردد و حقیقت اعمال سنجیده بنیه قویه عظام رمیم شود و وجود محکم متین چون خاشاک و هشیم پس ای یاران حقیقی وقت را از دست مدهید و براحات جسم و مسرت دل دل مبندید تعلق بملکوت ابهی جوئید و توسل بذیل اطهر اعلی قدری بحرکت آئید و پری بگشائید پروازی بنمائید موجی بزیند اوجی بگیریید از نفحات ملکوت مشامی معطر نمائید و از حدائق ریاض جبروت دماغی معنبر جمال قدم و اسم اعظم ایام را تحت سلاسل و اغلال گذرانند و اوقات را در تنگنای زندان در تحت سیوف ندا فرمود و در زیر قیود فریاد بر آورد و ما را طریق عبودیت آموخت هر یک را بطریقی آزمود و هر مشقت و بلائی را بجهت هدایت عباد تحمل فرمود و هر مصیبت و ابتلائی را بجهت تربیت دوستانش حمل نمود تا آنکه انوار یقین از افق مبین بتافت و سراج علیین در مشکاة روی زمین روشن گشت حال چون آن شمس افق توحید سر در حجاب نمود و رخ در نقاب فرمود ما که بنده آن آستانیم و برده آن درگاه آیا جائز است که ساکن نشینیم و راحت بجوئیم آرام بخواهیم و مخمود بمانیم محروم بشویم؟ لا و الله این انصاف نیست و از خرد و عقل خارج ما حال باید سبب ازدیاد نار محبت الله گردیم و اسباب نشر نفحات الله در هر انجمنی روشن باشیم و برای هر نفسی گلشن دقیقه ئی آرام نجوئیم و ساعتی راحت نیابیم باخلاق الهی و اطوار رحمانی و صفاتی ربانی و روشی آسمانی و جوششی قدوسی و حرارتی سینائی در بین ناس محشور گردیم